



● ماده ۵- موارد ضرورت مقید در ماده ۴ قانون عبارتند از :

الف - دعاوی حقوقی ناشی از جرم .

ب - دعاوی جزائی مرتبط با دعاوی خانوادگی .

ج - محدود بودن شعب حوزه قضائی به نحوی که به لحاظ جهات رد و معذوریت امکان رسیدگی نباشد. (۲۸)

د- سایر موارد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف ایشان .

● ماده ۶- حوزه قضائی بخش ، شهرستان و استان با رعایت ضوابط و مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود .

□ تبصره- هرگاه مرکز بخش فاقد دادگاه باشد رسیدگی به امور قضائی آن به عهده نزدیکترین دادگاه همان استان یا حوزه قضائی شهرستان مربوط است . همچنین چنانچه در شهرستان دادگاه یا دادسرا تشکیل نشده باشد رسیدگی به امور قضائی آن به عهده نزدیکترین حوزه قضائی شهرستان تابع همان استان خواهد بود .

● ماده ۷- رئیس کل دادگستری استان ، رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر و رئیس دادگاههای کیفری استان است و بر دادگاههای تجدیدنظر ، کیفری استان و کلیه دادگستریها ، دادگاهها و دادسراهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت .

رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان ، رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود . در غیر مرکز استان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی ، رئیس دادگستری آن شهرستان است و بر دادگاهها و دادسراهای مربوط و همچنین دادگاههای مستقر در بخش نظارت و ریاست اداری دارد . در صورت تعدد شعب دادگاههای عمومی در حوزه قضائی مستقر در مرکز بخش ، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی بر شعب دیگر نظارت و ریاست اداری خواهد داشت .

● ماده ۸- با تصویب رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان می تواند تمام یا بخشی از اختیارات خود را در خصوص دادگاههای انقلاب به رئیس شعبه اول آن دادگاهها تفویض نماید . در این صورت ، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی در سمت معاون وی انجام وظیفه خواهد کرد . در صورتی که

۲۸- الف : رأی وحدت رویه شماره ۵۱۷- ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ : نظر دادرسی دادگاه کیفری بر قابل تعقیب دانستن متهم که ضمن رسیدگی به شکایت از قرار منع پیگرد ابراز شود اظهار عقیده در موضوع اتهام محسوب نبوده و از موارد رد دادرسی نمی باشد بنابراین رأی شعبه یازدهم دیوانعالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود .

ب : رأی وحدت رویه ۵۲۴- ۱۳۶۸/۱/۲۹ : جهات رد دادرسی در امور جزایی در ماده (۲۳۲) قانون آئین دادرسی کیفری تصریح شده و رسیدگی دیوانعالی کشور مبنی بر تنفیذ یا عدم تنفیذ نظر دادگاه کیفری یک با هیچ یک از جهات مزبور تطبیق نمی کند تا مجوز رد دادرسی برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی باشد اظهار عقیده در موضوع دعوی هم که به شرح بند ۷ ماده (۲۰۸) قانون آئین دادرسی مدنی از موارد رد دادرسی محسوب شده منصرف از این مورد است زیرا در اعاده دادرسی مسائلی عنوان می شود که قبلاً مطرح نشده و سابقه رسیدگی ندارد .

ج- از ق . ا . د . ک ۱۳۷۸ :

● ماده ۴۶- دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوا نیز می توانند آنان را رد کنند :

الف- وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوا یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند .

ب - دادرسی یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد .

ج- دادرسی یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند .

د- دادرسی یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی قبلاً اظهار نظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد .

ه- بین دادرسی یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابقه مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد .

و- دادرسی یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان ، نفع شخصی در موضوع مطرح داشته باشند .

د : از ق . آ . د . م . م ۱۳۷۹ :

● ماده ۹۱- دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می توانند او را رد کنند .

الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی یا یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد .

ب - دادرسی قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرسی یا همسر او باشد .

ج- دادرسی یا همسر یا فرزند او ، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد .

د- دادرسی سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرسی یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد .

ه- بین دادرسی و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد .

و- دادرسی یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطرح باشند .